



جهاد: از قرآن تا بن لادن

Richard Bonney,

Forewrd by Sheikh Dr.

Zaki Badawi. New York, Palgrave, 2004, 564pp.

مقدمه

با گذشت حدود سه دهه از ظهور، رشد و گسترش اسلام سیاسی در جهان اسلام و به ویژه خاورمیانه، صدها کتاب گوناگون به نقد و بررسی و تجزیه و تحلیل ابعاد مختلف این پدیده پرداخته‌اند. دامنه این نوشته‌ها از غرب تا نویسندگان کشورهای اسلامی گسترده شده است. با این همه، نوع و شیوه نگاه نویسندگان این کتاب‌ها در دوره‌های گوناگون تا حدی با یکدیگر فرق داشته است. در حالیکه در دو دهه نخست رشد اسلام سیاسی یعنی دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ نویسندگان آثار مربوط به این حوزه چه در غرب و چه در جهان اسلام عمدتاً به تجزیه و تحلیل و بررسی علل پیدایش و رشد و گسترش اسلام سیاسی و اندیشه‌های متفکران و فعالان این جریان می‌پرداخته‌اند، در سال‌های اخیر نوع دیگری از کتاب‌ها وارد عرصه نشر شده که صرفاً به بررسی و تجزیه و تحلیل بی‌طرفانه این پدیده و بنیادهای فکری و ایدئولوژیک آن بسنده نمی‌کند؛ بلکه در صدد است با تحلیل نقادانه به نوعی دستاوردها و پیامدهای جریان اسلام سیاسی را به محک نقد و شالوده‌شکنی بکشاند.

گرچه این نوع نگاه به پدیده اسلام سیاسی و هویت و اندیشه بنیانگذاران و فعالان آن بی‌سابقه نیست، اما دامنه انتشار این نوع کتاب‌ها به لحاظ کمی چندان گسترده نبوده است. جالب آنکه این نوع نگاه به پدیده اسلام سیاسی و به ویژه جریان رادیکال آن که از توسل به خشونت پرهیز نداشته است، در خود جهان اسلام و به وسیله نویسندگان اسلامی شروع شده

است. اگر از اثر انتقادی و مهم اسماعیل حسن‌الهیسی، مرشد عام اخوان المسلمین یعنی کتاب «دعاه لاقضاء» در نقد آشکار اندیشه‌های تند سید قطب به ویژه کتاب «معالم فی الطریق» او در اواخر دهه ۱۹۶۰ بگذریم، و نیز نوشته‌های انتقادی گسترده نویسندگان و استادان اسلام میانه‌رو، به ویژه دانشگاه الازهر در نقد اندیشه‌های سید قطب را که از نظر آنها نمونه آشکار افراط‌گرایی (تطرف) بود، نادیده بگیریم، حداقل می‌توان در اواخر دهه ۱۹۸۰ آثار انتقادی بسیار آشکار و جنجال‌برانگیزی به قلم نویسندگان مسلمان در نقد اسلام رادیکال دید. یکی از برجسته‌ترین این آثار که شاید زمینه را برای نوشتن کتاب‌ها و مقالات انتقادی بیشتر در نقد اسلام سیاسی خشونت‌گرا توسط نویسندگان مسلمان و غیرمسلمان باز کرد، اثر انتقادی و مهم محمد سعید عشاوی قاضی دیوان عالی کشور مصر است که در ۱۹۸۸ با عنوان «الاسلام السیاسی» در قاهره انتشار یافت. این کتاب پس از نوشته معروف علی عبدالرازق، یعنی «الاسلام و اصول الحکم» در ۱۹۲۵، کوبنده‌ترین اثر انتقادی نسبت به اسلام سیاسی به شمار می‌رفت. در آن کتاب بود که عشاوی برای نخستین بار اندیشه و عمل اسلام سیاسی رادیکال به ویژه خشونت‌طلبی آن را مورد حمله قرار داد و آن را یکی از زیان‌آورترین پدیده‌ها برای اسلام به عنوان دین دانست. در این کتاب، عشاوی ضمن بررسی پیامدهای خشونت‌طلبی به نام اسلام، اصول بنیادین پارادایمی اسلام سیاسی رادیکال یعنی مسأله حکومت، ناسیونالیسم اسلامی و مسأله جهاد از دیدگاه اسلام‌گرایان جوان خشونت‌گرا را به باد حمله و نقد گرفت. انتقادات عشاوی به عنوان دانشمند اسلام‌شناس میانه‌رو، از اصول عقیدتی و سیاسی رادیکال‌های اسلامی، آنچنان مؤثر بود که مدت‌ها به یکی از مباحث جنجال‌برانگیز مخالفان و موافقان او در مصر تبدیل شد. گرچه گروه‌های رادیکالی چون «سازمان جهاد» و «جماعه الاسلامیه» او را تهدید به مرگ کردند و حتی طرفداران اخوان‌المسلمین (از جمله فهمی هویدی) و الازهر نیز از ناسزاگویی به وی پرهیز نکردند، اما بسیاری از شخصیت‌های معتدل و نیز اندیشمندان غیرمذهبی از جمله نجیب محفوظ و فواد ذکریا از او حمایت نمودند.

با این همه، کتاب عشاوی زمانی انتشار یافت که نفوذ اسلام رادیکال به طور جدی در صحنه منطقه‌ای و جهانی و حتی عربی وارد عرصه سیاسی و نظامی نشده بود. اقدامات خشونت‌طلبانه گروه‌های رادیکال اسلام‌گرا در واقع در سال‌های آغازین دهه ۱۹۹۰ در

کشورهایی چون الجزایر و مصر آغاز شد و بعدها دامنه آن به مناطقی چون سودان، سومالی، یمن، عربستان سعودی، پاکستان و افغانستان و سپس به شرق آسیا کشیده شد.

شکل‌گیری سازمان القاعده از میان گروه‌های داوطلب عرب و غیرعرب جهادی در افغانستان در دهه ۱۹۸۰، زمینه‌ساز گسترش موج خشونت‌طلبی اسلامی شد. این موج خشونت‌طلبی به ویژه زمانی مؤثر واقع شد که گروه‌های رادیکال شرق و غرب عربی به یکدیگر پیوند خوردند. تجربه ایدئولوژیک و سازمانی گروه‌های غرب عربی، شامل گروه‌های رادیکال مصری الجهاد و الجماعه الاسلامیه و گروه فلسطینی - اردنی تحت رهبری عبدالله العزام از یکسو و تعصب و توان مالی اسلام‌گرایان وهابی شرق عربی که در اطراف اسامه بن‌لادن نماینده رسمی عربستان سعودی در جهاد افغانستان، گرد آمده بودند، از سوی دیگر، دست به دست هم داد و سازمان القاعده و بعدها گروه فرعی آن یعنی «جبهه مبارزه با یهودیان و مسیحیان» را به نخستین و مؤثرترین گروه بین‌المللی اسلام‌گرایانه تبدیل کرد. خشونت‌طلبی افراطی این گروه‌ها در عملیات سال‌های ۹۴ - ۱۹۹۱ الجزایر، سال‌های ۹۷ - ۱۹۹۲ مصر و عملیات نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ علیه تأسیسات سیاسی و نظامی و دیپلماتیک آمریکا در آفریقا، شبه جزیره عربستان و سرانجام عملیات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در ایالات متحده آمریکا باعث شد تا دامنه انتقادات به اسلام رادیکال خشونت‌گرا و بنیادهای فکری آن گسترش پیدا کند. محکوم کردن عملیات ۱۱ سپتامبر از سوی بسیاری از اندیشمندان اسلامی جهان نمونه این نوع واکنش بود.

در کنار نویسندگان و اندیشمندان اسلامی در سال‌های نیمه دوم دهه ۱۹۹۰ و سال‌های نخست قرن بیست‌ویکم، برخی از نویسندگان و پژوهشگران غربی مسایل اسلام سیاسی نیز وارد صحنه شدند و اندیشه و عمل اسلام رادیکال را به شیوه‌ای مستقیم و غیرمستقیم به باد انتقاد گرفتند. یکی از این پژوهشگران الویه روی نویسنده برجسته فرانسوی و تحلیل‌گر مسایل اسلام سیاسی در آسیای میانه، افغانستان و شمال آفریقا بود. الویه روی شاید برای نخستین بار پس از آثار معتدل نویسندگانی چون جان اسپوزیتو، در کتاب معروف خود با عنوان «شکست اسلام سیاسی»، میراث اسلام رادیکال به طور خاص و اسلام سیاسی به طور عام را در زمینه‌هایی چون دولت‌سازی و اقتصاد اسلامی و به ویژه دموکراسی زیر سؤال برد. گرچه کتاب

«شکست اسلام سیاسی» بیشتر به ناکامی اسلام‌گرایان در اهداف آرمانی خود، به ویژه مفهوم دولت اسلامی اشاره داشت و نه درست یا نادرستی و یا حق و ناحق بودن اندیشه‌های ایدئولوژیک اسلام‌گرایان؛ اما نویسندگان دیگری در میان پژوهشگران غربی پا به صحنه گذاشتند که بیشتر به جای پرداختن به پیامدهای عمل اسلام‌گرایانه رادیکال، به شالوده‌شکنی بنیادهای ایدئولوژیک اسلام رادیکال دست زدند.

بی‌گمان در میان اصول‌بنیادین ایدئولوژیک اسلام رادیکال، مفهوم «جهاد» و شیوه تفسیر و تبدیل آن به عمل سیاسی و اقدام جمعی جایگاه محوری داشته است. در واقع مفهوم جهاد زیربنا و ستون محوری اقدام جمعی اسلام‌گرایانه بوده و برجسته‌ترین اندیشمندان و ایدئولوگ‌های اسلام رادیکال، بخش مهمی از آثار خود را به توجیه کاربرد مفهوم جهاد در اقدام جمعی جنبش‌های اسلامی اختصاص داده‌اند. علاوه بر سیدقطب، می‌توان از کتاب مهم «الفریضه الغائبه» نوشته عبدالسلام فرج نظریه‌پرداز سازمان الجهاد و الجماعه الاسلامیه مصر نام برد که تمام آن به اهمیت اصل جهاد در اصول دین و ضرورت کاربرد آن در عمل اسلامی می‌پرداخت.

از آنجا که مفهوم جهاد ستون اصلی توجیهی عمل اسلامی رادیکال جنبش‌های اسلامی بود، منتقدان عمل اسلام‌گرایانه رادیکال نیز اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بیشترین نقد خود را متوجه کاربرد این اصل و شیوه تفسیر آیات مربوط به جهاد و قتال در قرآن و سنت پیامبر اسلام کردند. محمدسعید عشاوی در این میان، فصل مهمی از کتاب خود را که پیش از این ذکر آن رفت، به تجزیه و تحلیل آیات جهاد و کج‌فهمی نظریه‌پردازان جوان گروه‌های رادیکال در تفسیر و کاربرد آن در اقدامات سیاسی خشونت‌بار اختصاص داد. به نظر عشاوی، جوانان بی‌تجربه گروه‌های رادیکال، مفهوم جهاد را از محتوای اصلی خود که عمدتاً بر جهاد با نفس یا جهاد اکبر تأکید دارد، خارج کرده و به کاربرد خشونت در اقدامات روزمره ضددولتی خود تبدیل کرده‌اند.

در کنار نویسندگان اسلامی چون عشاوی که بر مفهوم جهاد و ماهیت آن تأکید کرده‌اند، ژیل کپل نویسنده و پژوهشگر فرانسوی مسایل اسلام سیاسی، در سال‌های اخیر در یکی از کتاب‌های مهم خود به مسأله جهاد و تجزیه و تحلیل آن پرداخت. کتاب «جهاد: رد پای اسلام

سیاسی» وی که در سال ۲۰۰۲ در لندن انتشار یافت تا همین اواخر یکی از بهترین آثار مربوط به بحث و بررسی پدیده جهاد در اندیشه و عمل و تأثیر آن بر اقدام جمعی اسلام رادیکال محسوب می‌شد. با این همه همانگونه که از سایر آثار زیل کپل در زمینه اسلام سیاسی نظیر کتاب «پیامبر و فرعون» برمی‌آید، او بیشتر به جنبه‌های عملی بحث جهاد در عملکرد گروه‌های اسلام‌گرا می‌پردازد تا ریشه‌یابی مفهوم جهاد و یا شالوده‌شکنی آن در بستر اجتماعی عمل اسلامی. آنچه بیشتر در زمینه ادبیات مربوط به بحث‌های اسلام سیاسی و به ویژه اسلام رادیکال نیاز بود و به نوعی خلأ اساسی در این رابطه محسوب می‌شد، اثری گسترده پیرامون مفهوم جهاد در اندیشه اسلامی و سیر تکامل کاربرد و قرائت‌های گوناگون آن از صدر اسلام تا کنون در بستر تحولات اجتماعی و سیاسی جوامع اسلامی و رابطه آن با ساختار قدرت سیاسی و اقتصادی بود.

انتشار کتاب «جهاد: از قرآن تا بن‌لادن» نوشته ریچارد بونی پژوهشگر مسایل کثرت‌گرایی دینی به ویژه در جنوب و جنوب شرقی آسیا، این خلأ اساسی را پر کرده است. همانگونه که از نام کتاب برمی‌آید، بونی مفهوم جهاد را از زمان پیدایش آن در زمان پیامبر اسلام تا کاربرد آن در اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم در فصول گوناگون اثر خود بررسی کرده است. این اثر پر حجم، شاید مهمترین نوشته به زبان‌های اروپایی پیرامون مفهوم جهاد در ابعاد گوناگون و گسترده آن باشد.

اهمیت دیگر کتاب بونی آن است که شاید برای نخستین بار یک نویسنده غربی با تکیه گسترده و عمدتاً بر منابع نخستین و دست اول اسلامی و متون کلاسیک فقهی و تاریخی آن و نه تکیه بر چهارچوب‌های مفهومی و نظری غرب، یک اصل عقیدتی اسلامی را در گستره تاریخی آن تجزیه و تحلیل کرده است. می‌توان گفت این کتاب و ترجمه آن به زبان‌های فارسی و عربی می‌تواند خلأ مهمی را در آثار مربوط به این مفهوم در جهان اسلام نیز پر کند. تا آنجا که به نوشته‌های فارسی مربوط می‌شود، تا کنون اثری به این گستردگی و عمق تاریخی مفهوم جهاد را در بستر تاریخ جوامع اسلامی و اندیشه‌های اسلامی بررسی نکرده است.

کتاب «جهاد: از قرآن تا بن‌لادن» در چهار بخش و یازده فصل سیر تکامل مفهوم جهاد را از درون متون اصلی اسلامی به ویژه قرآن و سنت تا اندیشه فقها و متفکران گوناگون اسلامی دنبال کرده است.

ریچارد بونی در لابلای نوشته خود نه فقط پدیده و مفهوم جهاد را در بستر تاریخی آن بی‌طرفانه بررسی کرده است؛ بلکه در بحث دوران معاصر به ایدئولوژیک شدن مفهوم جهاد در اندیشه و عمل اسلام‌گرایان رادیکال به ویژه سه نظریه‌پرداز برجسته اسلامی یعنی ابوالاعلی مودودی، حسن البنا و سیدقطب در میان اهل سنت (صص ۲۲۴ - ۲۰۰) و فقهای بزرگ فرق شیعه به ویژه امامیه و اندیشه دوران معاصر آن (صص ۲۶۰ - ۲۲۴) اشاره می‌کند. ایدئولوژیک شدن مفهوم جهاد از نظر نویسنده، خود زمینه‌ساز تأثیرات بستر اجتماعی و در نهایت تحریف متون کلاسیک مربوط به جهاد در میان اسلام‌گرایان رادیکال به ویژه القاعده و هواخواهان آن در گوشه و کنار جهان اسلامی می‌شود. (صص ۴۲۴:۲۶۹)

در این میان نویسنده بیش از همه به تحریف مفهوم جهاد و کاربرد ایدئولوژیک آن از سوی اسامه بن‌لادن می‌پردازد که «جهاد جهانی» را به عنوان جنگ «نسل پنجم» به کار گرفت. او ضمن بحث مفهوم جنگ «نسل چهارم» به زمینه‌های تحریف مفهوم جهاد در عمل اسلام‌گرایان رادیکال در سال‌های جنگ افغانستان و سپس کشمیر، آسیای میانه، چین، الجزایر و سایر نقاط می‌پردازد.

مسئله تحریف مفهوم جهاد از سوی بن‌لادن و همفکران او که موضوع آخرین بخش و فصل‌های پایانی کتاب است، خواننده را در خصوص منحرف شدن مفهوم جهاد متقاعد می‌کند؛ زیرا خواننده با خواندن بخش‌ها و فصل‌های پیشین آن به چگونگی ظهور و تکامل این مفهوم در اسلام و جوامع اسلامی و معانی گوناگون و کاربرداری دقیق آن پی می‌برد. این نکته به ویژه با توجه به بخش‌های اولیه کتاب قابل درک است. نویسنده با سازماندهی بخش‌های چهارگانه کتاب به چگونگی تکامل مفهوم جهاد می‌پردازد که می‌تواند او را به منحرف شدن این مفهوم از سیر تاریخی‌اش متقاعد کند. از این لحاظ، دو بخش اولیه کتاب بسیار اهمیت دارد، زیرا در این دو بخش و فصل‌های گوناگون آنها، جهاد در متون اولیه و کلاسیک مقدس اسلامی و سپس دیدگاه نظریه‌پردازان متن‌گرا و طرفدار نظام اسلامی و دولت اسلامی تجزیه و

تحلیل می‌شود. بخش نخست کتاب با عنوان «متن و معنی» به ریشه‌های مفهوم جهاد در قرآن و سنت پیامبر می‌پردازد و زوایای گوناگون مفهوم جهاد در این دو قلمرو را بررسی می‌کند. برای نمونه در بحث جایگاه جهاد در قرآن، نویسنده به مسائلی چون نزول تدریجی قرآن به پیامبر، مسأله نسخ در قرآن، چهار مرحله در تحول مفهوم جهاد در قرآن، تعبیر گوناگون جهاد در قرآن، دیدگاه‌های گوناگون مفسران نوین درباره قرآن و سرانجام بحث نبودن جنگ دائمی میان دارالاسلام و دارالکفر می‌پردازد. (صص ۳۳ - ۲۱)

در بحث جهاد در سنت پیامبر نیز مسایل دقیقی چون جهاد در جمع‌آوری احادیث اولیه، احادیث قوی و ضعیف، درست و نادرست، و سرانجام مفهوم جهاد با شمشیر و جهاد با نفس بررسی شده است. (صص ۱۰۰ - ۳۴)

نویسنده در بخش دوم کتاب خود در چهارچوب فصل‌های چهارم، پنجم، ششم و هفتم، چگونگی ظهور تفاسیر کلاسیک و متن‌گرا از مفهوم جهاد را بررسی کرده است. فصل چهارم به دیدگاه‌های ابن تیمیه و مفهوم جهاد تدافعی در برابر صلیبی‌ها و مغولان می‌پردازد. فصل پنجم به بحث جهاد در نظام دولت‌های اسلامی به ویژه دولت عثمانی و دولت ایرانی صفوی اختصاص داده شده است.

در فصل ششم، اندیشه‌های محمدبن عبدالوهاب، مکتب وهابی‌گری و تعالیم آن پیرامون کاربرد مفهوم جهاد بحث شده است. فصل هفتم نیز بحث جهاد را در دوران قدرت‌های استعماری و سلطه آنها بر جهان اسلام دنبال می‌کند. در این فصل است که نویسنده ریشه‌های اسلام سیاسی معاصر یعنی احیاءطلبی اسلام و سیاسی‌شدن توده‌های مسلمان را بررسی کند و نشان می‌دهد که چگونه در دوران سلطه استعماری، مسلمانان در مناطق گوناگون جهان اسلام از جمله آفریقای پیشااستعماری (صص ۵- ۱۷۳)، غرب آفریقا (صص ۱۸۲ - ۱۷۵)، جهاد مهدیون در سودان (صص ۱۸۶ - ۱۸۳)، جهاد شیخ شامیل در قفقاز علیه روسها (صص ۱۸۹ - ۱۸۶)، جهاد امیر یعقوب بیگ در چین (صص ۱۹۲ - ۱۸۹)، و جهاد در دوران شورش هند (صص ۱۹۴ - ۱۹۲) از جهاد به عنوان ابزارهایی استفاده کرده‌اند.

بخش‌های سوم و چهارم کتاب که پیش از این بدان اشاره شد، چگونگی ایدئولوژیک‌شدن مفهوم جهاد و ظهور تفسیرهای ایدئولوژیک از آن را در نوشته‌های عمده‌ترین نظریه‌پردازان

سنی (مودودی - قطب - بنّا) و شیعه (مفهوم شهادت، انقلاب عراق و ایران) تشریح می‌کند. بخش چهارم اما از مهمترین بخش‌های کتاب است، و به واقع می‌توان گفت که شاید همه هدف نویسنده این بوده است که نشان دهد چگونه مفهوم جهاد در اندیشه و عمل اسلام‌گرایان رادیکال به ویژه اسامه بن‌لادن و طرفداران او تحریف می‌شود. با این همه نویسنده این تحریف را دارای ریشه‌های تاریخی و سیاسی خاص خود می‌داند، و به همین خاطر است که در فصل دهم کتاب (صص ۳۲۰ - ۲۶۹) در صدد است تا نشان دهد که چگونه مسأله اعراب و اسرائیل و فلسطین و پیامدهای آن در ظهور اسلام رادیکال و تفسیر خشونت‌طلبانه از جهاد نقش داشته است. به همین دلیل ظهور گروه جهاد اسلامی و حماس در فلسطین و انتفاضه‌های دوگانه در سال‌های دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ را نوعی توجیه و تأیید ایدئولوژیک‌شدن مسأله جهاد می‌داند. (صص ۳۲۰ - ۳۰۴) فصل یازدهم و پایانی کتاب، بن‌لادن و تحریف و استفاده ابزاری وی از مفهوم جهاد را به خوبی بررسی می‌کند. در این فصل است که نویسنده به تفاوت‌های میان بحث برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتن و مبارزه‌جویی بن‌لادن می‌پردازد، و برخورد میان القاعده و ایالات متحده را خارج از حوزه قلمرو برخورد تمدن‌ها می‌داند. (صص ۳۷۵ - ۳۶۵)

با این همه، مهمترین بخش کتاب از نظر بیان دیدگاه‌های نویسنده و مواضع پیرامون بحث جهاد، فصل نتیجه‌گیری است. در اینجا است که ریچارد بونی پیرامون «میان‌روی روشنگرانه» سخن می‌گوید و بر آن است تا نوعی اجماع اسلامی در باره تحول آینده اسلام و روابط آن با غرب به دست دهد. به نظر نویسنده، جهاد مفهومی تاریخی است که در بستر تحولات اجتماعی گسترش یافته و پراکندگی دیدگاه‌ها، برداشت‌ها و تفاسیر پیرامون آن نیز به همین خاطر است. به نظر او برای درک هر «جهاد» باید بیش از هر چیز بستر تاریخی آن را درک کرد. (ص ۳۹۹) در راستای همین نکته نویسنده معتقد است که در اسلام «جهاد تهاجمی مشروع» وجود ندارد و اسلام را نباید «دین شمشیر» دانست. (صص ۴۰۱ - ۴۰۰)

با این همه او جهاد را به عنوان «حق دفاع از اجتماع» پذیرفته و بنابراین موضوع «جنگ عادلانه» در شرایط نوین تاریخی را قابل بحث می‌داند. با این نتیجه‌گیری است که نویسنده دامنه مباحث خود را گسترانده و بر آن است که میان اسلام و تساهل رابطه معناداری وجود دارد. بحث‌های پایانی کتاب، به ویژه بحث کوتاه آینده خانواده بشری و شش اصل تجویزی او

و همچنین دیدگاه او پیرامون ضرورت درگیر شدن اسلام در نوعی دیپلماسی عمومی، نشانگر آن است که نویسنده می‌خواهد با ارایه این کتاب مفصل و سیر تحول مفهوم جهاد در قرآن و سنت و تفاسیر فقهای بزرگ اسلامی و ایدئولوژیک‌شدن و تحریف آن نشان دهد که گفتگو و تعامل (و مذاکره و نه رویارویی) باید تعیین‌کننده روابط اسلام و غرب باشد.

کتاب، نه فقط عمده‌ترین متون دست اول و کلاسیک اسلامی، بلکه اکثر نوشته‌های نویسندگان غربی پیرامون اسلام سیاسی و تحول آن را مورد استفاده قرار داده است. کتابنامه پایانی آن، خود نوعی منبع گرانبها پیرامون پژوهش در باره اسلام سیاسی محسوب می‌شود. کتاب ریچارد بونی، برخلاف شکست اسلام سیاسی نوشته اولویه روی با استقبال گسترده محققان اسلامی نیز روبرو شده و مقدمه مفصل دکتر زکی بداوی اندیشمند اسلامی و تقریض‌های نویسندگانی چون حسن حنفی و محمد خالد مسعود، نشانگر همین نکته است.

دکتر حمید احمدی

دانشیار علوم سیاسی دانشگاه تهران

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی